

اهداف و روش های مدیریت سود

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۰۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۰۴

کد مقاله: ۲۸۱۴۲

علی ترک زاده ماهانی^۱

چکیده

هدف اصلی این پژوهش طبقه بندی و خلاصه کردن نتایج تحقیقات متعددی است که درباره مدیریت سود انجام و نتایج مختلفی از آن ها حاصل شده است. نتایج مختلف بدست آمده را در یک چارچوب گرد هم آورده و به بررسی مفهوم، دلیل و چگونگی مدیریت سود پرداخته شده است. نتیجه مطالعات نشان می دهد که مدیریت سود از دو طریق اقلام تعهدی و جریان های نقدی قابل انجام است. در عمل مدیریت سود با استفاده از اقلام نقدی ترجیح داده می شود زیرا، بهتر از دید حسابرسان محفوظ می ماند. هر چند مدیریت سود با استفاده از اقلام تعهدی بیشتر در تحقیقات حسابداری مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. همچنین نتایج نشان می دهد که مدیریت سود می تواند خوب، بد و یا کارا باشد.

واژگان کلیدی: مدیریت سود، مدیریت سود خوب، بد، مدیریت سود کارا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه

یکی از اهداف اساسی وضع استانداردهای حسابداری این است که استفاده کنندگان بتوانند با اتکا بر صورت های مالی تصمیمات مربوط و صحیحی اتخاذ کنند. سود یکی از مهمترین عوامل موثر بر تصمیم گیری اقتصادی می باشد که در صورت های مالی افشا می شود و می تواند بر تصمیمات استفاده کنندگان تاثیر قابل توجهی داشته باشد. از طرفی نیز، مدیران برای رسیدن به اهداف خاصی که منطقیاً منافع عده ای خاص را تامین می کند ممکن است سود را طوری گزارش کنند که با هدف تامین منافع عمومی استفاده کنندگان مغایرت داشته باشد. [۱۷] مجموعه اقداماتی که مدیران در جهت آراستن اطلاعات برای دستیابی به اهداف خاص انجام می دهند، مدیریت سود اطلاق می شود [۹].

۲- تعریف مدیریت سود

با وقوع انقلاب صنعتی و کاهش بهای تمام شده ی کالاها و خدمات پس از سال ها فعالیت، مدیران دریافته اند که می توانند با استفاده از نقاط ضعف اصول و روش های مختلف حسابداری، سود سال های مختلف را به گونه ای جابجا و دستکاری کنند که سود دلخواه را برای گزارش در صورت های مالی بدست آورند، بدون اینکه سهام داران از کم و کیف آن اطلاع داشته باشند. این سرآغاز بحث مدیریت سود یا هموارسازی سود بود [۱۳]. مدیریت سود به مداخله عمومی مدیریت در فرآیند تعیین سود که غالباً در راستای اهداف دلخواه مدیریت می باشد، اطلاق می گردد [۳].

مدیریت سود روشی است که توسط مدیریت جهت دستکاری داده ها به کار می رود. مثلاً، هموار نمودن سود برای کسب اطمینان بیشتر سرمایه گذاران از پایداری سود، نمونه ای از دستکاری داده ها محسوب می شود [۱۴]. بسیاری از پژوهشگران صاحب نظر در زمینه مدیریت سود، هیپ ورث را نخستین کسی می دانند که بحث هموارسازی سود را معرفی کرده است [۳].

مدیریت سود عملی عمدی برای اثرگذاری بر گزارش گری مالی است، جهت همراه کردن سهام داران درباره عملکرد اساسی سازمان یا تحت تاثیر قراردادن پیامدهای قراردادی که وابسته به ارقام حسابداری گزارش شده می باشد و به دلیل پیچیدگی قواعد حسابداری ممکن است سرمایه گذاران عادی متوجه آن نشوند. مجموعه اقداماتی که مدیران در جهت آراستن اطلاعات برای دستیابی به اهداف خاص انجام می دهند، مدیریت سود اطلاق می شود [۹].

شیبیر مدیریت سود را دخالت هدفمند در فرآیند گزارش گری مالی خارجی با قصد تحصیل سود، تعریف کرد. مدیریت سود می تواند نامناسب باشد بدین ترتیب که با ایجاد ثبت های حسابداری مصنوعی یا تغییر برآوردها از میزان معقول، عملکرد عملیاتی واقعی شرکت را مخفی نگه دارد. برای مثال ثبت درآمدهای دوره بعد در دوره جاری و یا کاهش هزینه های مطالبات سوخت شده به جهت افزایش حاشیه سود، می تواند مدیریت سود بد باشد [۱۶].

در مدیریت سود خوب، مدیران به صورت اخلاقی رویه هایی را انجام می دهند تا بتوانند قیمت سهام شرکت را افزایش دهند، شرکت را در جهت تامین مالی توانمند سازند، ثروت همه سهام داران را افزایش دهند، اطمینان سرمایه گذار را افزایش داده، اطمینان نسبت به کیفیت گزارش گری مالی را افزایش داده، شرکت را نسبت به رسیدن به نتایج مالی قابل پیش بینی توانمند سازد و همچنین اطمینان نسبت به تداوم فعالیت شرکت را ایجاد کند. [۱۴] دچو [۲] مدیریت سود خوب را مدیریت سود عملیاتی بیان کرد، چون در آن مدیریت در جهت ایجاد عملکرد مالی با ثبات اقداماتی همچون تشویق یا تنبیه کارکنان را انجام می دهد که به اهداف تولید و رقابتی خود دست یابد. یک مدیریت سود خوب ممکن است تصمیم گیری کند که به اختیار در دوره ای که درآمد عملیاتی پایین است، تعدادی از دارایی ها به فروش رود. در صورتی که به طور مناسب بیان شود، روند ایجادشده، همراه کننده نخواهد بود [۱۶].

به عقیده سابرا مانیام [۴] هنگامی که مدیران از اختیارات خود برای افزایش منافع شخصی، با میل بیشتری اقدام به انتشار اطلاعات محرمانه درباره سودآوری شرکت کنند، مدیریت سود فرصت طلبانه خواهد بود. به عبارت دیگر مدیریت فرصت طلبانه سود، در گزارش گری مالی توسط مدیران به منظور گمراهی استفاده کنندگان نسبت به عملکرد اقتصادی شرکت برای حداکثر سازی منافع شخصی، تعریف می شود. از لحاظ تجربی وجود رابطه منفی معنادار و یا عدم وجود رابطه معنادار میان اقلام تعهدی اختیاری و سود آوری آتی، نشان دهنده فرصت طلبانه بودن مدیریت سود است. [۱۴] سابرا مانیام [۴]، عنوان می کند که اگر مدیران از اختیارات خود نسبت به انتشار اطلاعات محرمانه در مورد سودآوری شرکت، که هنوز منعکس کننده سود مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی است، استفاده کنند و این امر باعث افزایش ارزش شرکت شود، مدیریت سود کارا خواهد بود. مدیریت کارای سود به معنای بهبود محتوای اطلاعاتی سود در ارسال اطلاعات محرمانه است. به بیان دیگر افزایش کیفیت تهیه اطلاعات برای کمک به استفاده کنندگان به منظور درک بهتر قدرت سود آوری و وضعیت مالی شرکت است. از نظر تجربی رابطه مثبت معنادار بین اقلام تعهدی اختیاری و سودآوری آتی، بیانگر مدیریت سود کاراست [۱۴].

۳- چرایی مدیریت سود

ماگرات و ولد [۴] بیان کردند رویه های مدیریت سود به این جهت طراحی شدند که به مدیران کمک کنند که وظایفشان را نسبت به سهام داران انجام دهند یا سرمایه گذاران را فریب دهند. مطالعات اخیر انگیزه هایی همچون منافع شخصی، پاداش مدیریت و انگیزه های مالیاتی را بیان کرده اند [۱۴].

مطالعه گراهام و همکاران [۳] نشان داد مدیران اجرایی تمایل به برآورده ساختن اهداف سود نظیر سود سال گذشته و پیش بینی تحلیلگران از طریق دستکاری فعالیت های واقعی دارند. در حالی که این دستکاری ها به طور بالقوه می تواند ارزش شرکت را کاهش دهد. زیرا دستکاری فعالیت های واقعی در دوره جاری به منظور افزایش سود، ممکن است بر جریان های نقد دوره آتی تاثیر منفی داشته باشد. برای مثال تخفیفات قیمتی گسترده در دوره جاری به منظور افزایش حجم فروش و برآورده کردن کوتاه مدت اهداف سود، می تواند منجر به ایجاد انتظار مشتریان برای دریافت چنین تخفیفاتی در دوره آتی گردد که به طور ضمنی بیانگر حاشیه سود پایین تر در فروش دوره آتی است. [۱۴]

مطالعات گراهام و همکاران [۳] بیانگر تمایل زیاد مدیران اجرایی به مدیریت سود از طریق فعالیت های واقعی نسبت به دستکاری ارقام تعهدی است. زیرا مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی بیشتر مورد توجه حسابرسان و قانون گذاران قرار دارد، ولی مدیریت سود واقعی اغلب شبیه تصمیم های عادی واحد تجاری است و تشخیص آن مشکل تر است. دوم، دستکاری ارقام تعهدی دربردارنده ریسک است. زیرا ممکن است مقدار سودی که برای دستکاری مورد نیاز است فراتر از ارقام تعهدی اختیاری موجود باشد. در نتیجه، اگر از ارقام تعهدی اختیاری در پایان سال استفاده شود، ممکن است اهداف مرتبط با سود برآورده نشود [۱۴].

اگر چه فعالیت های مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی پیامد مستقیمی بر جریان های نقدی را به همراه ندارد، ولی مدیریت واقعی سود، بر جریان های نقدی شرکت اثر مستقیم دارد [۴]. در این روش، وجوه نقدی قربانی سود تعهدی می شود و مهمترین ضرر آن، از بین رفتن ارزش شرکت به دلیل کاهش جریان های نقدی دوره های آتی است. برای مثال، تولید بیش از اندازه یکی از روش های مدیریت سود واقعی است. با تولید حداکثری می توان هزینه های سربار ثابت را بر تعداد واحد بیشتری سرشکن کرد. در نتیجه با کاهش هزینه ثابت هر واحد، هزینه تولید هر واحد کاهش و حاشیه سود هر واحد افزایش می یابد.

از آنجا که تولیدات فروش نرفته به موجودی کالا افزوده می شود، تولید بیش از اندازه به طور موثری، هزینه سربار بیش تری به موجودی کالا و هزینه سربار کمتری به بهای تمام شده کالای فروش رفته دوره جاری تخصیص می دهد و شرکت حاشیه سود بهتری را گزارش می کند. با وجود این، شرکت هزینه های تولید و نگهداری ارقام بیش از حد تولید شده را متحمل می شود که این هزینه ها از طریق فروش دوره جاری قابل بازیافت نیست. در نتیجه جریان های نقد عملیاتی کمتر از سطح عادی می شود. از طرفی سود افزایش یافته دوره جاری بعید است که پایدار باقی بماند. بنابراین، اگر تقاضا برای محصولات شرکت نسبتا ثابت باشد، جریان های نقدی و سود دوره آتی احتمالا کاهش می یابد [۴].

مدیران می توانند با کاهش هزینه های اختیاری مانند مخارج تحقیق و توسعه، تبلیغات و تعمیر و نگهداری سود خود را افزایش دهند، کاهش این هزینه ها در صورتی که نقدی باشند وجه نقد کمتری از شرکت خارج می کند که این امر تاثیر مثبت بر جریان های نقد عملیاتی دارد و احتمالا منجر به ریسک کمتر جریان های نقدی در دوره آتی می شود [۵]. طبق تحقیق چپمن [۱] شرکت ها در سه ماهه پایان سال از طریق دستکاری فعالیت های واقعی نظیر کاهش قیمت به منظور تسریع موقتی فروش در تلاش برای برآورده ساختن اهداف سود می باشند. گراهام [۳] دریافت که کاهش هزینه های تحقیق و توسعه و تولید بیش از اندازه با سودی که در نتیجه دستکاری فعالیت های واقعی کسب شده رابطه مثبت دارد. از طرفی سود ایجاد شده با مدیریت سود واقعی رابطه ای معکوس با عملکرد آتی شرکت دارد.

رویچودری [۵] با بررسی مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت های واقعی دریافت که شرکت ها برای جلوگیری از گزارش زیان و ارائه حاشیه سود بهتر، اقداماتی نظیر تخفیفات قیمتی برای افزایش فروش، تولید بیش از اندازه برای کاهش بهای تمام شده کالای فروش رفته و کاهش هزینه های اختیاری استفاده می کنند. در حالیکه این فعالیت ها باعث افزایش ارزش شرکت در بلند مدت نمی شود. البته وجود سهام داران نهادی باعث استفاده کمتر از این گونه فعالیت ها می شود [۵].

۴- چگونگی مدیریت سود

راه های مختلفی وجود دارد که طی آن می توان از ثبت های دفتری در جهت مدیریت سود استفاده کرد. مدیریت شرکت در هنگام اعمال مدیریت سود، آشکارا می داند که هدف از این کار، نگهداری از منافع شرکت در مقابل صاحبان سود می باشد. حتی در موارد دیگر مدیریت سود به منظور کسب پاداش اختصاص یافته به مدیران به علت نگهداری هر چه بیشتر از شرکت در برابر صاحبان سود است. مدیریت سود از دو طریق ارقام تعهدی و فعالیت های واقعی که مکمل هستند صورت می گیرد، ابزار مدیریت سود تعهدی، ارقام تعهدی اختیاری و ابزار مدیریت سود واقعی جریان های نقدی اختیاری است. مدیران شرکت ها برای دستکاری

سود از دو روش استفاده می کنند. در حالت اول، از طریق ارقام تعهدی با تسریع در شناخت درآمدها و تاخیر در شناخت هزینه ها، به منظور ارائه عملکردی بهتر در دوره جاری، اقدام به مدیریت سود می کنند. اما در حالت دوم، با دستکاری فعالیت های واقعی به مدیریت واقعی سود پرداخته و به سود مورد نظر خویش دست می یابند [۱۴]

مطالعاتی نظیر رویچودی [۵] به روش هایی مانند تسریع فروش از طریق اعطای تخفیفات، تغییر جدول ارسال کالا، کاهش هزینه های اختیاری نظیر مخارج تحقیق و توسعه و تولید بیش از اندازه به عنوان روش های مدیریت سود واقعی اشاره می کنند [۱۴].

۵- مدل های اندازه گیری مدیریت سود

برای اندازه گیری مدیریت سود مدل های مختلفی در تحقیقات مطرح شده است که در دو گروه کلی قابل تفکیک می باشند، مدل های ارقام تعهدی اختیاری که مبتنی بر مدل جونز می باشند و مدل های درآمد اختیاری که به تازگی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

مدل جونز یکی از مدل های پایه ای تحقیقات مربوط به کشف مدیریت سود است و طبق آن مدیران بواسطه آزادی عملی که در مورد ارقام تعهدی اختیاری دارند می توانند سود را دستکاری و مدیریت کنند. لذا ارقام تعهدی اختیاری به عنوان شاخصی برای تعیین و کشف مدیریت سود در واحدهای تجاری مورد استفاده قرار می گیرد و برای بدست آوردن آن فرض است که ارقام تعهدی غیراختیاری در طول زمان ثابت هستند و درآمد فروش تماما غیراختیاری است. بنابراین برای محاسبه ارقام تعهدی اختیاری کافی است که از مجموع ارقام تعهدی، ارقام تعهدی غیر اختیاری کسر گردد [۱۰].

بر اساس مدل جونز مدل های دیگری در تحقیقات حسابداری مطرح و مورد استفاده قرار گرفته است از جمله مدل تعدیل شده جونز که با انجام اصلاحاتی روی مدل جونز شکل گرفته است، مدل ترکیبی رقابتی که آنچه را در مدل جونز فراموش شده به مطالعات قبلی اضافه می کند. مدل جریان نقد جونز، مدل جریان نقد توسعه یافته جونز که توسط کازنیک مطرح شده است، مدل انتظاری دیجو، مدل تطبیقی عملکرد کوتاری و همکاران، مدل تجاری یو و مدل انتقادی یو که اشکالاتی را بر مدل جونز وارد دانسته است [۱۰].

مدل های درآمدی گروه دیگری از مدل ها برای اندازه گیری مدیریت سود می باشند. مانند: مدل کی لر که برای بررسی مدیریت سود به جای بررسی و شناخت هزینه ها از روش شناخت درآمد با بررسی حساب های دریافتی و درآمد انتقالی به دوره بعد استفاده نمود. مدل تغییر در حساب های دریافتی ناخالص، مدل تغییر در درآمد انتقالی به دوره آتی، مدل درآمد اختیاری، مدل درآمد گزارش شده یا مدیریت شده که شامل مجموع درآمدهای غیر اختیاری و درآمدهای اختیاری است و مدل درآمدی مشروط [۱۰].

۶- نتایج سایر تحقیقات

دچو و همکاران [۲] بیان کردند، به دلیل اینکه معکوس سازی ارقام تعهدی محدودیت هایی به همراه دارد شرکت هایی که اقدام به مدیریت سود می کنند یا با پیامدهای اقتصادی این عمل روبرو می شوند یا در جهت خنثی نمودن اثرات آن، دست به تقلب می زنند.

صمدی [۱۱] در تحقیقی با موضوع تاثیر هموارسازی سود بر محتوی اطلاعاتی آن به این نتیجه رسیدند که هموارسازی سود، توانایی سود های گذشته و جاری را در پیش بینی ارقام تعهدی آینده از طریق هموارسازی سود افزایش نمی دهد.

حقیقت و رایگان [۸] به بررسی نقش هموارسازی سود بر مربوط بودن سود در خصوص پیش بینی سود آتی پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که قیمت جاری سهام شرکت هایی که بیشتر اقدام به هموارسازی سود کرده اند، حاوی اطلاعات کمتری درباره ی سودها و جریان های نقدی آتی بوده است. بهار مقدم و حسنی فر [۷] دریافتند که رابطه معنی داری بین وجوه نقد عملیاتی و تغییرات در موجودی کالا از یک طرف و مدیریت سود از طرف دیگر وجود دارد. همچنین، نوع مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد مطالعه قرار دادند و دریافتند که، مدیریت سود به کارایی گرایش دارد.

کرمی و همکاران [۱۴] در پژوهشی به بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود حسابداری در جهت هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که وقتی مدیران در می یابند که سود گزارش شده کمتر از سطح سود مورد انتظار می باشد، سطوح بهینه ای را برای هر دو راهکار مدیریت سود واقعی و مدیریت سود حسابداری تعیین می کنند و تصمیمات دستکاری فعالیت های واقعی و ارقام تعهدی را به طور همزمان اتخاذ می کنند.

انصاری و همکاران [۶] به بررسی تاثیر دستکاری فعالیت های واقعی بر مدیریت سود تعهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین معیارهای دستکاری فعالیت های واقعی و مدیریت سود تعهدی ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. همچنین مدیران در تصمیمات خود برای مدیریت ارقام تعهدی، دستکاری هایی را که بر روی فعالیت های واقعی انجام داده اند را نیز در نظر می گیرند و از ترکیبی از انواع مدیریت سود استفاده می کنند.

فرقاندوست حقیقی و همکاران [۱۰] در مطالعه ای رابطه مدیریت سود و امکان تقلب در صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که در شرکت های با سابقه مدیریت سود، احتمال ارتکاب تقلب در صورت های مالی وجود دارد. مشایخی [۱۵] در تحقیقش به این نتیجه رسید که شرکت های بورسی مشکوک به تقلب، یکی از روش های مدیریت سود را در جهت هدف مدیریت سود خود انتخاب می کنند. به نوعی چنانچه مدیریت سود واقعی در طی سال افزایش (کاهش) یابد، مدیریت سود تعهدی در پایان سال کاهش (افزایش) می یابد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

در تعریف مدیریت سود می توان به مواردی از جمله، روشی برای دستکاری داده ها، عملی عمدی برای تاثیر گذاری بر گزارش گری مالی و دخالت هدفمند در فرآیند گزارش گری مالی خارجی با قصد تحصیل سود اشاره کرد. مدیریت سود می تواند خوب، بد یا کارا باشد. مدیریت کارای سود به معنی بهبود محتوی اطلاعاتی سود در ارسال اطلاعات محرمانه است، به عبارتی افزایش کیفیت تهیه اطلاعات برای کمک به استفاده کنندگان می باشد.

از اهداف مدیریت سود مواردی از جمله کمک به مدیران برای انجام وظایف یا به نوعی فریب سرمایه گذاران، جلوگیری از گزارش زیان و ارائه حاشیه سود بهتر و تمایل به برآورده ساختن اهداف سود نظیر سود سال گذشته و پیش بینی تحلیلگران از طریق دستکاری فعالیت های واقعی را بیان کرد. تولید بیش از اندازه با هدف کاهش سهم هر محصول از هزینه های ثابت، کاهش هزینه های اختیاری مانند مخارج تحقیق و توسعه، تبلیغات و تعمیر و نگهداری، کاهش قیمت جهت تسریع فروش در سه ماهه پایان سال، استفاده از ثبت های دفتری در جهت مدیریت سود، تسریع در شناخت درآمدها و تاخیر در شناخت هزینه ها در قالب روش ارقام تعهدی نمونه های رایج پیاده سازی مدیریت سود می باشند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- Chapman, craig j. (2011). The effects of real earnings management on the firm, its competitors and subsequent reporting periods. Working paper. Kellogg school of management; (2011).
- Dechow, p.m. and skinner, d.j. earnings management: reconciling the views of accounting academics, practitioners, and regulators. Accounting horizons, (2000), 235-250.
- Graham, j.r., Harvey, c.r., rajgopal, s., the economic implications of corporate financial reporting, journal of accounting and economics, (2005), 40, 3-73.
- Li, x. (2010). Real earnings management and subsequent stock returns. Working paper; (2010).
- Roychowdhury, s. Earnings management through real activities manipulation. Journal of accounting and economics, vol. 42, pp.335-370; (2006).
- انصاری، عبدالمهدی، مصطفی دری سده و مسعود نرگسی. (۱۳۹۲). بررسی تاثیر دستکاری فعالیت های واقعی بر مدیریت سود تمهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، یازدهمین همایش ملی حسابداری ایران.
- بهار مقدم، مهدی و حبیبه حسنی فرد. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین رویدادهای مالی واقعی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال دوم، شماره ۶ ص ۱۶۰-۱۳۶.
- حقیقت، احسان و حمید رایگان. (۱۳۸۷). نقش هموارسازی سود بر مربوط بودن سودها در خصوص پیش بینی سودهای آتی، بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۴، ص ۴۶-۳۳.
- شمسایی، وحید. (۱۳۹۲). مدیریت سود و تقلب در گزارشگری مالی: تشخیص نقاط تمایز توسط حسابرسان، مجله حسابرس، شماره ۴۶، ص ۱۱۴-۱۰۶.
- صالحی، اله کرم. (۱۳۹۴). مروری بر مدل های اندازه گیری مدیریت سود: اقلام تمهدی اختیاری و درآمد اختیاری. فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. سال چهارم. شماره ۱۶، ص ۱۱۸-۱۰۳.
- صمدی، ولی اله. (۱۳۸۷). تاثیر هموارسازی سود بر محتوی اطلاعاتی آن در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- فرقاندوست حقیقی، کامبیز. (۱۳۹۳). مطالعه رابطه بین مدیریت سود و امکان تقلب در صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، سال چهاردهم، شماره ۵۶، ص ۶۸-۴۷.
- کاشانی پور، محمد و مهدی یعقوبی. (۱۳۸۵). مدیریت سود و امنیت شغلی، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۲۱، ص ۱۰۴-۸۳.
- کرمی، غلامرضا. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود حسابداری به منظور هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال نهم، شماره ۳۱، ص ۷۶-۶۱.
- مشایخی، بیتا و همکاران. (۱۳۹۵). نقش اقلام تمهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۲، ص ۷۴-۶۱.
- نوروش، ایرج و همکاران. (۱۳۸۴). بررسی مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و دوم، شماره دوم، پیاپی ۴۳.
- یعقوب نژاد، احمد و همکاران. (۱۳۹۱). ارائه الگو برای اندازه گیری مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال پنجم، شماره دوازدهم، ص ۱۶-۱.